



سلطان محمد منادی

خبرنگار

تاریخ تولد: ۱۳۵۴

تاریخ شهادت: ۱۳۸۸

محل شهادت: ولایت کندز

فرد/ گروه مسئول رویداد: نیروهای ناتو

زندگی و تحصیلات

او در سال ۱۳۵۴ خورشیدی در روستای آستانه‌ی ولسوالی بازارک ولایت پنجشیر زاده شد. مکتب امیر شیرعلی خان در شهر کابل نخستین محل آموختن برای وی بود. پس از آن تعلیمات عالی خود را در لیسه‌ی نادریه به پایان رساند و در سال ۱۳۷۰ از این لیسه فارغ شد. منادی در سال ۱۳۷۴ خورشیدی وارد دانشکده‌ی ژورنالیزم دانشگاه کابل شد و پس از یک وقفه‌ی طولانی به دلیل وقوع جنگ‌های داخلی سرانجام در سال ۱۳۸۲ خورشیدی از بخش مطبوعات دانشکده‌ی ژورنالیزم دانشگاه کابل سند لیسانس گرفت.

منادی روز شنبه ۵ سپتمبر ۲۰۰۹ هنگامی که برای پوشش خبری رویداد بمباران هوایی نیروهای خارجی در منطقه‌ی چهاردره‌ی ولایت کندز با یک خبرنگار ایرلندی - انگلیسی وارد این محل شده بود، از سوی طالبان مسلح ربوده شد.

زندگی و تحصیلات

وی سه روز پس از این حادثه و اسارت نزد طالبان، صبح روز چهارشنبه ۹ سپتمبر همان سال، در جریان عملیاتی که نیروهای انگلیسی برای نجات خبرنگارشان به راه انداخته بودند به شهادت رسید. از منادی دو فرزند بر جای مانده است. (وبسایت هشت صبح)

فعالیت‌ها

منادی از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲ در کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، دفتر محلی گلبهار، به عنوان مسئول ارتباطات و روابط عامه کار می‌کرد و در هماهنگی فعالیت‌های این نهاد بین‌المللی در سطح شمال و مرکز نقش اساسی داشت. پس از استقرار حکومت موقت، از سال ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۶ وی خبرنگار محلی نیویارک تایمز بود و گزارش‌های فروانی به زبان انگلیسی برای این روزنامه‌ی معتبر بین‌المللی نوشت. افزون بر تهیه‌ی گزارش‌ها، وی در بخش ترجمه‌ی میعاری متون از فارسی و پشتو به انگلیسی و همچنان پیشبرد امور دفتر نیویارک تایمز به عنوان یک مدیر نیز نقش برجسته‌ای داشت.

سلطان محمد منادی در سال ۲۰۰۶ به صبح بخیر افغانستان و انتشارات آوانما پیوست.

فعالیت‌ها

در این نهادها، او علاوه بر فعالیت‌های رسانه‌ای، از جمله برنامه‌های رادیویی بیش از چهار فلم بلند و دو فلم مستند را تولید و کارگردانی و بیش از یک‌صد آگهی تلویزیونی را برای نهادهای خارجی و داخلی در پیوند با پولیس ملی، اردوی ملی، مواد مخدر، بازسازی، حقوق بشر و حقوق زن تولید کرد. او بنیان‌گذار برنامه‌ی انعکاس در رادیو تلویزیون ملی نیز بود. (وبسایت هشت صبح)

چالش‌ها در زمان فعالیت

آنچه مسلم است این است که خبرنگاران در افغانستان، برای اطلاع‌رسانی با چالش‌های بی‌شماری روبه‌رو بوده‌اند و یکی از برجسته‌ترین آن‌ها چالش‌های امنیتی و روبه‌رو شدن با خطر هراس‌افگنان و گروه‌های تروریستی از جمله طالبان بوده است. منادی یکی از جمله کسانی است که در جریان فعالیت‌هایش به اسارت طالبان درآمد و مانند چندین تن دیگر از خبرنگاران اقدامی برای آزادی‌اش از اسارت طالبان صورت نگرفت و سرانجام جان‌ش را از دست داد.

خاطرات و نقل قول‌ها

«... سه هفته در سویدن با هم یک دوره‌ی روزنامه‌نگاری را گذراندیم. شریف‌ترین مردی بود که به عمرم دیده بودم. با ما می‌گفت و می‌خندید و شوخی می‌کرد، اما وقتی که میان ما نبود، حتما داشت نمازش را می‌خواند. زندگی‌اش را که برایم تعریف کرد، به چشم‌هایش دقیق شدم. هم سن و سال خودم بود، اما چروک‌های کنار چشمش نشان از رنج بی‌حسابی داشت که برده بود. همیشه لبخند به لب داشت. آن قدر دنیا دیده بود که بداند چقدر زندگی بی‌ارزش است. به جای نفرت از این همه پلیدی، قلبش را خانه‌ی عشق کرده بود. دل بزرگی داشت این مرد.

آخرین ایمیلی که از آلمان زد، خیلی دل‌تنگ بود. گفت تولد پسر دومش را ندیده است. دلم به این خوش است که حداقل «مکین» شش ماهه را دید و رفت.

خاطرات و نقل قول‌ها

برای تعطیلات به افغانستان برگشته بود که به همراه خبرنگار نیویارک تایمز ر بوده شد. سه روز بعد خبرنگار ایرلندی را نجات دادند، یک گلوله در سر سلطان کاشتند و جسدش را رها کرده و رفتند. لعنت به جنگ، به اشغال، به این جبر جغرافیایی.»

این گزیده‌ای از مطلبی است که روزنامه‌ی هشت صبح به نقل از یکی از دوستان منادی نشر کرده است.

تصاویر / یادداشتهای

در بخشی از مطلبی که هشت صبح به نقل از یکی از دوستان منادی نشر کرده، آمده است: «... در دوره‌ای که در سویدن گذراندیم، موضوعی که ما برای نوشتن انتخاب کردیم این بود: «آیا خبرنگاران حق دارند گریه کنند؟» از هم پرسیدیم که چه روزی بوده که دیگر اشک امان‌مان نداده، که دیگر یادمان رفته خبرنگاریم و قلب مان از درد مچاله شده. این قطعه‌ای بود که سلطان برای این موضوع نوشت:

در صبح یکی از روزها در سال ۲۰۰۶ و در پی یک حمله‌ی انتحاری در کابل، بدن‌های نیمه‌سوخته‌ی سه پسر را که در حدود هفت سال سن داشتند، دیدم. دوزن نیز در میان کشته‌شدگان بودند که بدن یکی‌شان از وسط نیم شده بود و نیم سر زن دومی وجود نداشت. جسد یک مرد ماست‌فروش که بایسکلش دورتر از خودش در اثر انفجار پریده بود،

بر روی زمین فرش شده بود و ماست، جاده‌ی سیاه
اسفالت‌شده را سفید ساخته بود. می‌دانم که چنین
رویدادهایی تاثیری بر من نخواهند داشت، زیرا از زمانی که
من دست راست و چپم را شناختم، شاهد رویدادهای مرگ‌آور
زیادی بوده‌ام و سرهای بدون بدن و بدن‌های بدون سر را زیاد
مشاهده کرده‌ام، یا افرادی را که تنها یک دست و یا یک پا
داشتند، و یا حتا پارچه‌های بدن انسان را خیلی زیاد دیده‌ام.
با این حال، قلب من از سنگ یا آهن ساخته نشده است؛
وقتی به کوهی بالا می‌شوم یا زمانی که به موج‌های چابک
دریا نگاه می‌کنم، نمی‌توانم احساساتم را کنترل کنم و
نمی‌توانم خودم را از گریه کردن باز دارم.»

آرزوها و اهداف

منادی چند روز پیش از گرفتارشدن از سوی طالبان، یادداشتی به زبان انگلیسی در وبلاگش نوشته بود که هشت صبح برگردان فارسی آن را نشر کرده است. در بخشی از این یادداشت، منادی به شکل خلاصه به اهداف خود اشاره کرده است: «... حال، من به بهترشدن وضعیت در کشورم امیدوارم و اگر من کشورم را ترک کنم، و اگر کسان دیگر که شبیه من هستند کشور را ترک کنند، چه کسی به افغانستان خواهد آمد؟ طالبان خواهند آمد و حکومت این کشور را به دست خواهند گرفت؟ از همین خاطر می‌خواهم دوباره برگردم، ولو اگر ناگزیر به پاک کردن جاده‌های کابل شوم. چنین شغلی برای من خیلی آبرومند خواهد بود تا این که مثلاً در رستورانتی در آلمان کار کنم. تنها خبرنگار بودن کافی نیست؛ چنین کاری مشکل افغانستان را حل نمی‌سازد.

آرزوها و اهداف

می‌خواهم در زمینه‌ی آموزش در کشورم کار کنم، چون بخش بیشتر مردم من بی‌سواد هستند. این عمده‌ترین مشکلی است که بسیاری از افغان‌ها با آن مواجه‌اند. من واقعا به برگشت به کشورم و کار برای کشورم تعهد دارم.

واکنش‌ها به رویداد

«چرا منادی نجات نیافت؟» پرسشی بود که برای همه بی‌پاسخ مانده بود و به گونه‌ای در تمامی واکنش‌ها به کشته‌شدن منادی برجسته بود. کشته‌شدن منادی موجی از اعتراضات را به دنبال داشت که نیروهای خارجی را به بی‌توجهی به امنیت شهروندان متهم می‌کرد. حامد کرزی، رییس جمهور آن زمان، دستور تحقیق در مورد قتل منادی را داده بود، همچنین مجلس نمایندگان افغانستان، شبکه جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر افغانستان و نهادهای مدافع حقوق روزنامه‌نگاران از جمله نهادهایی بودند که خواستار بررسی پرونده‌ی قتل منادی شدند. بی‌بی‌سی، به نقل از شبکه‌ی جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر افغانستان نوشته است: «قربانی‌شدن او نشان داد که مدافعان ارزش‌های حقوق بشری چگونه مورد "سوء استفاده و معاملات سیاسی" قرار می‌گیرند.»

لینک‌ها

۱. لینک اول خبر بی‌بی‌سی

https://www.bbc.com/persian/afghanistan/2009/09/090909_ram_journalist_killed

۲. لینک دوم خبر بی‌بی‌سی

https://www.bbc.com/persian/afghanistan/2009/09/090912_a-munadi-investigations

۳. لینک خبر رادیو آزادی

<https://da.azadiradio.com/a/1819750.html>

۴. لینک خبر دویچه‌وله

<https://www.dw.com/fa-af/%D8%A7%D8%B9%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D8%B6%D8%B9%D9%84%D9%8A%D9%87%D9%82%D8%AA%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%B7%D8%A7%D9%86%D9%85%D9%86%D8%A7%D8%AF%D9%8A%D8%AE%D8%A8%D8%B1%D9%86%DA%AF%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86/a-4680370>

۵. لینک نامه‌ی دوست منادی

<https://8am.media/fa/%D8%A8%D9%87%D8%AE%D8%A7%D8%B7%D8%B1%D8%B3%D9%84%D8%B7%D8%A7%D9%86%D9%85%D9%86%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%B9%D8%B2%DB%8C%D8%B2-%DA%A9%D9%87-%D8%AC%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D8%B4-%D8%B1%D8%A7-%D8%A8%D9%87/>

۶. لینک نامه‌ی دوست منادی

<https://8am.media/fa/به-خاطر-سلطان-منادی-عزیز-که-جان-اش-را-به/>

وضعیت پرونده

با وجود صدور دستور تحقیق در مورد قتل این خبرنگار از سوی ریاست جمهوری، قضیه به نتیجه‌ی مطلوبی نرسید و حتی با گذشت نزدیک به یک سال از آغاز تحقیقات دولت، قناعت‌بخش بودن این تحقیقات از سوی اتحادیه‌ی ژورنالیستان رد شده بود. در مطلبی که در یک سالگی کشته‌شدن منادی در وبسایت گزارش‌گران بدون مرز نوشته شده، به نقل از باری سلام، مدیر مسئول رادیو صبح بخیر افغانستان آمده است: «با آنکه چگونگی قتل منادی پس از تحقیقات وزارت داخله کشور روشن شده که توسط نیروهای انگلیسی کشته شده، اما عاملان قتل منادی تا حال از سوی حکومت افغانستان بازداشت نشدند».